

حضرت امام سپس به کلام مرحوم صاحب فصول و مرحوم آخوند اشاره کرده و سپس می نویسد:

«والتحقیق أن یقال: بناء على تعلق الأمر بالطبیعة: فإن قلنا بأنّ الهيئة موضوعة لطلب الإیجاد- كما علیه الفصول- فلا محیص عن كون متعلّقه هو الطبیعة من حیث هی لأنّ الإیجاد أخذ فی طرف الهيئة، فلو أخذ الوجود فی طرف المادّة یصیر معنی الأمر بالصلاة، أوجد وجود الصلاة، و هو كما ترى، فحینئذ یكون النزاع فی استفادة المرّة و التكرار بالمعنیین راجعا إلى الهيئة، فیأتی الإشكال المتقدم فی الأمر الأوّل، فلا بدّ من إرجاع البحث إلى المادّة تخلصا عن الإشكال، فحینئذ لا مجرى للنزاع مع تعلق الأمر بالطبیعة، سواء أريد الفرد و الأفراد أو الدفعة و الدفعات، ضرورة أنّها خارجة عن الطبیعة، و أمّا مع تعلق الأمر بالفرد فللنزاع مجال. و إن قلنا بأنّ الهيئة موضوعة للإغراء و البعث، و لازم الإغراء إلى الطبیعة إیجادها، لأنّ الماهیة من حیث هی لیست مطلوبة، لكن الإیجاد و الوجود لم یكونا مدلول الهيئة و لا المادّة، بل من اللوازم العقلیة لتعلق البعث بالطبیعة، فحینئذ یكون النزاع بناءً على تعلق الأمر بالطبیعة فی أمر عقلی لا لغوی، و هو خلاف ظاهرهم فلا بدّ من إجراء النزاع على فرض تعلق الأمر بالفرد لا الطبیعة حتّى یدفع الإشكال.

لكن بعد اللتیّا و التی لا یصیر هذا البحث من تتمّة البحث الآتی بعد كون الجهة المبحوث عنها مختلفة.»^۱

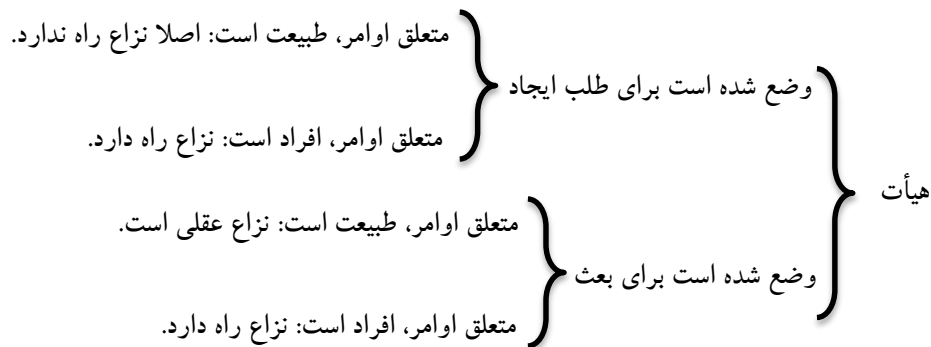
توضیح:

۱. اگر گفتیم امر به طبیعت تعلق گرفته است:
۲. در این صورت یا می گوئیم که «هیأت وضع شده است برای طلب ایجاد» و یا می گوئیم وضع شده است برای بعث.
۳. اگر می توانیم وضع شده برای «طلب ایجاد»: در این صورت «ماهیت» که متعلق واقع شده است، «ماهیت من حیث هی» است و نه مره و نه تکرار در آن اخذ نشده است. (چراکه اضرب یعنی «طلب ایجاد ضرب» و طلب ایجاد آن مربوط به هیأت است و ضرب همان ماهیت است که هیأت به آن تعلق گرفته است).
۴. پس ایجاد در طرف هیأت است و در طرف ماده نیست.
۵. و چون گفتیم که در هیأت نمی توانیم قائل به «مره یا تکرار» شویم لذا باید بگوئیم در این صورت (که هیأت برای طلب ایجاد وضع شده) اصلاً نزاع مره و تکرار راه ندارد. [چراکه در هیأت نزاع امکان طرح ندارد و ماده هم فرض شده است که طبیعت من حیث هی است.]

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۲۸۸



۶. اما در این صورت (که هیأت، برای طلب ایجاد، وضع شده باشد) اگر بگوییم متعلق اوامر، افراد هستند، می توان بحث کرد که آیا امر دال بر مره است یا دال بر تکرار.
۷. ولی اگر گفتیم هیأت وضع شده است برای بعث:
۸. در این صورت لازمه اغراء و بعث به سوی طبیعت آن است که مأمور طبیعت را ایجاد کند (چراکه طبیعت من حیث هی مطلوب نیست):
۹. ولی «ایجاد» مدلول ماده یا هیأت امر نیست بلکه لازمه عقلی تعلق بعث به طبیعت است.
۱۰. پس در این صورت (هیأت برای بعث وضع شده باشد و متعلق امر هم طبیعت باشد) نزاع در یک امر عقلی است. (یعنی اینکه لازمه «بعث نحو الطبیعه»، ایجاد یک فرد است یا ایجاد چند فرد و آیا ایجاد یک دفعه طبیعت است و یا چند دفعه).
۱۱. ولی ظاهراً نزاع مذکور را اصولیون نزاع لغوی می دانند.
۱۲. اما اگر در همین فرض (که هیأت وضع شده است برای اغراء و بعث)، گفتیم امر تعلق گرفته است به افراد، نزاع جاری است.
۱۳. پس در هر صورت بحث (اینکه امر دال بر مره است یا بر تکرار) فقط در صورتی جاری است که متعلق اوامر، فرد باشد.
۱۴. اما باز هم این بحث (مره و تکرار) تنمیه بحث از متعلق اوامر نیست چراکه جهت آن بحث، شناخت متعلق اوامر است و جهت این بحث، دلالت امر بر مره و تکرار.
۱۵. [پس:



[

